

تاریخ ارسال به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " ( ۲۹ جنوری ۲۰۱۲ )

### کی برد سالم ... (۱)

بر وطن نازل شده توفان جانسوز دگر  
اشک خونین می گذارد بر دلم سوز دگر

می زنی آتش به جان کشورم ای خصم دون  
می فرستی هر دمی بر ما «جهانسوز» دگر

مرد و زن آواره کردی، سوختی دشت و دمن  
ننگ و نفرین بر تو باد، روز تا روز دگر

دست یابی گر به ناموس ای، تجاوز می کنی  
هر دمی سازی تو موجود سیه روزی دگر

می کنی با زور بر چه «عقد» با نوبالغان  
می شوی هر ساعتی، تیر جگردوز دگر

می دهی بیچاره خلق برباد، تا پیدا کنی  
پشت هم، خونخواه یی زشت زر اندوز دگر

کی برد سالم سرش را اجنبی از خاک ما  
گور وی گردد وطن امروز یا روز دگر



### پیام مرا بر وطن بگوی... (۲)

پیامبر! پیام مرا بر وطن بگوی  
سوز دلم به کودک و هم مرد و زن بگوی

خوناب دل چکد، ز چشمانم روز و شب  
زین چشم تر به سبزه خشک چمن بگوی

با بلبلان سر بنهاده به زیر بال  
از سر کشیدن گل و سرو چمن بگوی

بردشت پر زخار و زمین کفیده دل  
بازگشت جوش لاله به دشت و دمن بگوی

باچشمه سار خشک ولی تبار جویبار  
از ابر نو بهار، گریستن سخن بگوی

زاغ و زغن گرفته به باغ وطن مقام  
این قصه را به طوطی شیرین سخن بگوی

آری! بگوی ز طرف من غم رسیده، زود  
گشتم غریق بحر غمت، بروطن بگوی

از قامت شکسته سرو رسای باغ  
از سوختن سینه و چاک یخن بگوی

پای زنان بسته به زنجیر وحشیان  
لیکن ز رزم مردمی زنجیر شکن بگوی

براندیم "خرسان" را از سر زمین خویش  
این نکته را به گله ای "خوکان" زمن بگوی!



(۱)- کی برد سالم : نشریه " شهروند " حوت ۱۳۷۵ - مارچ ۱۹۹۷.

(۲)- پیام مرا بر وطن بگوی : مورخ اپریل ۱۹۹۸ .